

جزئیاتی از خودکشی دانش‌آموز ۱۱ ساله بوشهری

پدر و مادر به سوگ نشسته‌اند؛ به سوگ پسری که نخواست زنده بماند. تنها یک جان داشت که آن را هم داد. گوشی هوشمند می‌خواست اما نداشت. یک گوشی که بتواند با آن برای خانم رضایی معلم کلاس پنجم مدرسه باهنر دیر استان بوشهر فیلم و عکس ارسال کند. پاسخ سوالات درسی را بدهد. خود را کشت و حالا همه او را در گوشی‌های هوشمند می‌بینند. این خبر دردناک را می‌خوانند و افسوس می‌خورند. اما این درد برای پدر و مادر سید محمد دردناک‌تر است برای پدر و مادر بی‌بضاعتی که ۳ پسر داشتند؛ یکی ناتوان و پسر دیگر خردسال است و محمدی که دیگر نیست.

به گزارش سایت خبری پرسون، «شهروند» در ادامه نوشت: دو روز از این فاجعه می‌گذرد؛ دو روز از آن صحنه‌ای که مادر با پیکر بی‌جان محمد در آشپزخانه روبه‌رو شد. مادری که چشمانش مدام می‌بارد. اشک پشت اشک، ماتم تمام صورتش را پوشانده است. جوانی‌اش هم حالا با رفتن محمد رفته است. غم سنگینی است، به سختی سخن می‌گوید و تصورش را هم نمی‌کرد محمد روزی دیگر نباشد. حرف و روایت درباره علت خودکشی پسر یازده ساله زیاد است. هستند کسانی که او را قربانی فقر می‌دانند و دیگری که گوشی معیوب محمد و مشکلات تحصیلی‌اش را علت این حادثه تلخ بیان می‌کنند؛ اما هنوز علت دقیق مشخص نیست.

«در این هشت ماهی که دانش‌آموزان باید در فضای مجازی (شاد) درس می‌خواندند محمد هم همراه بود، تکلیف‌های خود را مرتب انجام می‌داد.» اینها را فاطمه نجار - مادر محمد - می‌گوید و ادامه می‌دهد: «محمد کلاس پنجم بود؛ زرنگ و درس‌خوان. اما با این وضع کرونا برای درس، کلاس و مدرسه گوشی هوشمند لازم بود. گوشی که ما در خانه تنها یک عدد داشتیم ولی همان هم خراب و معیوب شده بود؛ نه فیلمبرداری می‌کرد و نه عکس و ویس ارسال می‌کرد. اوضاع بدی بود. از ما گوشی می‌خواست؛ یک گوشی که هوشمند باشد تا درس‌خواندن برایش عذاب نباشد.»

در آخرین شب زندگی‌اش، آخرین شبی که هنوز زنده بود و نفس می‌کشید به آغوش مادر پناه برد. در آن شب سیاه از مادر، رنگینک و یک آغوش آرامش خواست. اینها دو خواسته آخر محمد بود پیش از مرگ؛ پیش از آنکه بمیرد و دیگر نباشد.

خانواده محمد از قشر بی‌بضاعت شهر هستند؛ پدر، بیمار است و مادر، کارگر. در خانه‌های مردم کارگری می‌کند، خانه‌های مردم شهر را تمیز می‌کند. یک پسر معلول هم دارند و پسری خردسال. زندگی رو به راهی ندارند؛ پدر مستمری‌بگیر است و از کارافتاده. فقر و از کارافتادگی او را مددجوی بهزیستی کرده است؛ مستمری می‌گیرد و حتی اجاره‌خانه‌شان را هم بهزیستی پرداخت می‌کند. با همان حقوق ناچیز توانسته بود آن گوشی قدیمی را بخرد که خراب شد.

پدر هم شوکه است، بیمار بود و به دنباله معالجه اما با این درد جانکاه دیگر حسی ندارد. بیماری فراموشش شده ولی درد در یادش می‌ماند؛ دردی که از دو روز پیش مغز و استخوانش را تسخیر کرده است. لباس سیاه بر تن کرد و به عزای فرزند بزرگش نشست. سید عادل موسی‌زاده پدر محمد است؛ پدری که نمی‌داند علت خودکشی پسرش چیست. پس از خراب‌شدن گوشی قول داده بود که یکی از آن گوشی‌های هوشمند برای محمد بخرد؛ یکی از آنهایی که بارها تصویرش را به پدرش نشان داده بود؛ قولی که محمد نماند تا ببیند پدر بر عهدش وفا می‌کند یا نه.

سید عادل می‌گوید: «محمد تکلیف‌های مدرسه‌اش را با همان گوشی انجام می‌داد که خودم برایش خریده بودم اما مدتی پیش خراب شد. یک گوشی جدید می‌خواست. می‌گفت نمی‌تواند تکالیفش را انجام دهد و از من گوشی خواست. قول دادم در اولین فرصت آن را برایش بخرم. مدرسه هم اعلام کرده بود که به دانش‌آموزان تبلت می‌دهیم ولی ما هیچ گوشی و تبلتی از مدرسه دریافت نکردیم. اگر چه محمد هر روز درخواست خرید گوشی نو و تبلت داشت اما هنوز نمی‌دانیم انگیزه محمد از خودکشی چه بوده است.»

حالا محمد نیست؛ نه در میان هم‌شاگردی‌هایش و نه در میان خانواده‌اش. با خبرساز شدن این حادثه تلخ، آموزش‌وپرورش دیر خودکشی این دانش‌آموز

به دلیل دسترسی نداشتن به تلفن همراه و کلاس‌های مجازی را رد کرد. آموزش و پرورش اعلام کرد: «از فروردین ماه یک گوشی توسط مدیر مدرسه در اختیار محمد قرار داده شد و او تا آخرین ساعات پیش از اقدام به خودکشی نیز در شبکه شاد فعالیت داشته است.»

مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش بوشهر هم گفت: «صداها و مدارکی که نشان می‌دهد محمد گوشی نداشته باشد و ارتباطی که با معلمش داشته همه موجود است و این نشان می‌دهد که علت حادثه نداشتن گوشی نبوده است.»

او از چک‌لیست‌های هفتگی حضور و غیاب گفت؛ از صداها و مدارکی که نشان می‌دهد محمد پای کلاس درس و مدرسه بوده است. از وجود همه این مدارک در سامانه شاد و اینکه محمد گوشی تلفن همراه داشته است.

او در ادامه گفت: «هنوز ابعاد پنهان این ماجرا مشخص نشده است؛ یعنی دقیقاً مشخص نیست که این حادثه قتل یا خودکشی بوده است. تحقیقات مراجع انتظامی و پزشکی قانونی هنوز کامل و منتشر نشده است. پس از انتشار نتیجه تحقیقات از سوی پزشکی قانونی ابعاد آن مشخص خواهد شد.»

اما دل‌نوشته‌های معلم محمد که در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد، حکایت دیگری دارد؛ معلمی که خسته از تدریس غیرحضورى است، از روزگار سخت مجازی هم. روزگار سخت خانم معلم غم نداشتن گوشی برای دانش‌آموزانش بود اما سخت‌تر از این، نبودن صاحب گوشی است. دل‌نوشته‌ای که هیچ امضایی ندارد؛ حتی نام معلم کلاس پنجم مدرسه باهنر هم پای آن نوشته نشده است.

پیکر محمد موسوی‌زاده، دانش‌آموز یازده ساله دیری، یکشنبه بیستم مهر در امامزاده سیدجمال‌الدین بردستان به خاک سپرده شد.

«پرونده حادثه جان‌باختن دانش‌آموز پسر یازده ساله در دست بررسی است و هنوز علت جان‌باختن برای ما محرز نشده است.» این را دادستان عمومی و انقلاب دیر می‌گوید.

علی یزدانی‌پور بیان کرد: «پزشکی قانونی با توجه به اینکه برای بررسی حادثه نیاز به وجود جسد نبوده، جواز دفن را صادر کرده و جسد او به خانواده‌اش تحویل داده و خاکسپاری شده است اما پرونده این حادثه در شعبه بازپرسی دیر باز و در حال بررسی است.»

آلارم‌های یک خودکشی

دلایل خودکشی، عوامل زمینه‌ای همچون مشکلات و اختلالات روانی دارد. وقتی فرد به میزانی از ناامیدی می‌رسد که تحمل و امید را به طور کامل از دست می‌دهد، جسم خود را عامل این تلخی‌ها و ناگواری‌ها تلقی می‌کند و تصمیم می‌گیرد که از آن انتقام بگیرد اما گاهی در اعتراض دست به این اقدام خودخواسته می‌زند. به نظر برخی از کارشناسان امور اجتماعی عوامل مختلفی از جمله ژنتیک، سابقه خانوادگی در خصوص خودکشی یا اقدام به خودکشی، تجربیات ناموفق در زندگی، سلامت روانی، سبک زندگی، موقعیت شغلی و روابط فردی در تغییر افکار و رفتارهایی که منجر به خودکشی می‌شود، نقش دارد.

«به طور کلی افزایش آمار خودکشی در جامعه معلول عوامل مختلفی است که در رأس آنها مشکلات اقتصادی و معیشتی است» این را سعید خراط‌ها - آسیب‌شناس - می‌گوید.

او خودکشی در میان نوجوانان را پدیده‌ای نه چندان جدید می‌داند که در دهه ۹۰ اوج گرفته است. او می‌گوید: «استرس، سردرگمی، ترس، عدم اطمینان و فشارهایی که برای موفق نشدن در تحصیل وجود دارد یا حتی کم‌بودن توانایی فرد در حل مسائل و تصمیم‌گیری‌های درست باعث افزایش آمار

خودکشی در میان نوجوانان می‌شود. یکی از علل مهم خودکشی افسردگی‌های مزمن است که این نوع افسردگی احساس آینده خوبی‌نداشتن و پوچی را در فرد ایجاد می‌کند و باعث شکل‌گیری انگیزه خودکشی می‌شود. دلیل دیگر این امر فقر و استیصال است که فشارهایی را در زندگی ایجاد می‌کند و سرانجام سبب می‌شود تا فرد راهی به جز خودکشی در برابر خود نبیند. شاید سختگیری‌های والدین هم به این خودکشی‌ها دامن بزند یا شکست‌های عاطفی، حتی سختگیری‌های مسئولان مدرسه و تحقیر دانش‌آموز میان گروه همسالان، همچنین دلیل دیگر تنش‌های خانوادگی و مشکل‌هایی است که ریشه در دوره کودکی فرد دارد و احساس ناامیدی، یأس و بی‌پناهی به دانش‌آموز دست می‌دهد. اما باید گفت هر شخصی که به خودکشی دست می‌زند تمایل به ادامه زندگی دارد اما به دلیل اینکه راهی نمی‌یابد و از همه عوامل ناامید شده است، خودکشی می‌کند.»

این آسیب‌شناس فرهنگسازی را مهم‌ترین وظیفه رسانه‌ها به منظور کاهش خودکشی در جامعه دانست و گفت: «رسانه‌ها باید در زمینه فرهنگسازی به واقع‌بینی روی بیاورند و باید افراد متخصص از لحاظ اجتماعی، روانشناسی و اقتصادی، واقعیت خودکشی و ضررهایی را که متوجه شخص می‌شود، برای جامعه بازگو کنند. همچنین این حقیقت به فرد القا شود که با خودکشی تنها به خود آنها ضرر می‌رسد. رسانه‌ها باید راه‌های مبارزه و نجات از تنگناها را به افراد جامعه آموزش دهند و از کلی‌گویی بپرهیزند.»